



بازشناسی مولفه‌های دستور زبان طراحی شهری منطقه سیستان

اصغر مولایی*^۱، سارا راشکی^۲

۱- دکتری تخصصی شهرسازی اسلامی، دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی (نویسنده مسئول)

Email : a.molaei@tabriziau.ac.ir -Tel:09197386181

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

زبان در حوزه معماری و شهرسازی می‌تواند دارای واژگان و قواعد و مفاهیمی مربوط به مولفه‌های مختلف باشد که این قواعد و دستور زبان حاوی تجارب و الگوها و روش‌هایی در خلق فضا و توده و آفرینش مکان‌های عمومی و خصوصی و به طور کلی بافت شهری است که با استفاده از فرهنگ، اقلیم و فناوری‌های ساخت و ساز در طول زمان ایجاد شده است. این پژوهش با هدف استخراج دستور زبان طراحی شهری در بافت‌های با ارزش یا تاکید بر بافت تاریخی سیستان انجام شده است که مهمترین پرسش در این راستا این می‌باشد که مولفه‌های شکل‌گیری قواعد دستور زبان طراحی شهری سیستان کدامند؟ شیوه انجام این پژوهش ترکیبی از شیوه‌های توصیفی، تحلیلی و موردی می‌باشد. نتایج مطالعات مبانی نظری نشانگر آن است که مولفه‌های موثر بر فرم و فضای کالبدی شهر شامل مولفه‌های جغرافیایی، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و منظر شهری است. دستور زبان طراحی شهری منطقه سیستان متأثر از جنبه‌ها و متغیرهای فرهنگی و جغرافیایی هویت بخشی است که در فرم بافت تجلی یافته است. که آن را در منظر بیرونی بافت در قالب گنبد، دریاچه‌های مشبک، خارخانه‌ها و نماها می‌توان ملاحظه نمود. اغلب این فرم‌ها و اجزا و عناصر فضای کالبدی علاوه بر جنبه‌های اقلیمی و کارکردی دارای وجه فرهنگی هستند که سبک زندگی منحصر بفرد سیستانی متأثر از مولفه‌های مذکور را خلق می‌نماید.

واژگان کلیدی: دستور زبان، طراحی شهری، منطقه سیستان، هویت، فرم شهر

Redefinition the urban design grammar Dimensions in the Sistan region

Asghar Molaei^{1*}, Sara Rashk²

1- Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

2- Sara Rashki, Master of Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

* P.O.B. 09197386181 Tabriz, Iran, email: a.molaei@tabriziau.ac.ir

Received: March 2023 Accepted: August 2023

Abstract

Language is one of the most important methods and tools in the interaction of humans and the environment in different fields. In the field of architecture and urban planning, these rules and grammar of urban planning contain experiences, patterns and methods in creating space and mass and creating public and private places and urban context in general, which has been created with the support of culture, climate. The importance of recognizing grammar in historical contexts is important since these contexts have architectural, cultural, social, urban landscape, mass and space values, etc., which have been inherited during different historical periods. Failure to pay attention to this grammar in new constructions or recent development programs can lead to the weakening of identity and the emergence of various climatic, spatial, physical and functional problems.

This research has been done with the aim of extracting the grammar of urban design in valuable contexts with an emphasis on the historical context of Sistan. The most important question in this regard is what are the components of the rules of the grammar of urban design in Sistan? The method of this research is a combination of descriptive, analytical and case methods. The results of theoretical studies indicate that the components affecting the form and physical space of the city include geographical, climatic, cultural, social, physical and urban landscape components. The grammar of urban design in Sistan region is affected by the aspects and cultural and geographical variables of identity, which is manifested in the form of texture.

Keywords: grammar, urban design, Sistan region, identity, city form

مقدمه

بخش مهمی از مطالعات زبان‌شناسی به‌ویژه زبان‌شناسی ساختاری، مطالعه دستور زبان است. دستور زبان یعنی نحوه قرارگیری و سامان‌یابی اجزاء سازنده زبان به‌منظور ایجاد کلیت‌هایی با مفهوم در زبان کلامی است. این دستور، نحوه قرارگیری واژگان را در یک زنجیره برای ایجاد جملات و عبارات دستوری با مفهوم معین می‌کند. (اهری، ۶ : ۱۳۸۱) بنابراین، اقتباس از چنین مفهومی در زبان طراحی شهری را می‌توان ایزاری دانست که بدنه معنا را در ساختار معنایی جامعه پنهان می‌کند و به آن عینیت می‌بخشد، یعنی طراحی شهری به‌عنوان ساختار معنایی جامعه از طریق مجموعه‌ای عناصر محتوا شامل فرم و فعالیت‌ها و تنظیم نحوه چیدمان آن‌ها در کنار هم، باعث ایجاد اثر می‌شود (Sandercock، ۱۹۹۸ : ۲۰۵)

حال تحلیل‌های زبان‌شناسانه به دلیل اینکه دو جنبه محتوای معماری و شهرسازی و روش‌های ایجاد آن را مورد بحث قرار می‌دهند، کاربردهای گسترده‌ای یافته‌اند شهرها و فضاهای شهری گذشته ما استقلال، شخصیت و هویت خاص خود را داشته‌اند. مفاهیمی که درنهایت به تعریف مفاهیم بزرگتری مانند تعلق و احساس شهروندی منجر شده است. (حج فروش، ۱۲۷ : ۱۳۸۰) دانش زبان‌شناسی، اگرچه خارج از حوزه دانش شهر می‌باشد، اما می‌توان در رویکردی میان رشته‌ای از ظرفیت‌های آن در جهت بازشناسی نظام فضاهای شهری بهره جست و بدین ترتیب به قواعد و مبانی و نیز الگوهای معناداری در چارچوب تعامل انسان و محیط دست یافت. (رحمانی و همکاران ۴ : ۱۳۹۲) در قرن بیستم چرخش‌های مطالعات زبانی در حوزه فلسفه زبان بر بسیاری از شاخه‌های دیگر همچون مطالعات تخیل در هنر نیز تاثیر گذاشت. (شهبازی و همکاران ۳ : ۱۴۰۱) به گفته کریستوفر الکساندر (استاد دانشگاه معماری ایالات متحده آمریکا) هویت زمانی در محیط خود را نشان می‌دهد که بین فرد و محیط او رابطه منطقی و احساس تعلق وجود داشته باشد و این رابطه مبتنی بر دانش و تجربه عمیق باشد. شناخت محیط به گفته هارولد پروشانسکی (نظریه‌پرداز)، هویت فضایی دلالت بر یک وابستگی عاطفی قوی (تعلق) به مکانی با یک زیستگاه خاص دارد. این اعتیاد بر اساس ادراک فرد از محیط فیزیکی است و شامل خاطرات، عواطف، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی در محیط‌های مختلف فیزیکی می‌شود. معماری و طراحی شهری یک شهر یا روستا می‌تواند به زبانی برخوردار از واژگان، جملات و قواعد نگارشی بیان شود. بطوریکه این زبان بیانگر هویت آن شهر بوده و در طول دوره‌های مختلف زمانی تدوام یابد. با شناسایی این دستور زبان می‌توان به تعمیق هویت شهرها کمک نموده و عدم توجه به آن زمینه‌های تضعیف هویت شهری و انقطاع آن را فراهم می‌نماید. موضوع این پژوهش در منطقه سیستان که یکی از مناطق کهن ایران است می‌تواند با کندوکاو در وجوه هویتی شهری از لحاظ تاریخی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی و موقعیت جغرافیایی انجام پذیرد. سیستان منطقه جغرافیایی وسیع با قدمتی طولانی است که درهم آمیختگی تاریخ، طبیعت، فرهنگ و افسانه را نشان می‌دهد، میراث او در گذشته در رقص سیستانی و افسانه را در اشعار فردوسی بزرگترین شاعر کشورمان می‌توان یافت. هر چند هنوز آن گونه که باید و حتی علی‌رغم کاوش‌های باستان‌شناسی از سده ۱۸ میلادی به بعد، این سرزمین و نقش آن در ایجاد ارتباط با تمدن سند و آسیای مرکزی از یک سو و تمدن میان رودان و مصر از سوی دیگر، شناخته و روشن نشده است اما هرچه زمان بیشتر سپری می‌شود عظمت تمدنی آن افزون‌تر می‌گردد. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱ : ۷۴-۵۴) لذا مسئله اساسی پژوهش فعلی این است که منطقه سیستان از الگوها و قواعد منحصر به فرد ویژه‌ای از طراحی شهری برخوردار است که در حال حاضر با کم‌توجهی به ساخت‌وسازهای معاصر و فاقد هویت تضعیف می‌شود. این امری می‌بایست با مطالعه، تامل و تحلیل ابعاد مختلف فرهنگی و جغرافیایی و کالبدی انجام پذیرد. وقتی از دیدگاه زبان‌شناسی به شهر برخورد می‌کنیم، باید تمامی اجزاء تشکیل دهنده فضاهای شهری اعم از طبیعی یا مصنوع را به‌عنوان اجزا تشکیل دهنده زبان طراحی شهری در نظر بگیریم. ابعاد محیطی که اشاره به میزان تامین الزامات یک جامعه بر اساس نیازها و ظرفیت افراد آن جامعه دارد. (پورمحمدی، پایدار ۵۲ : ۱۴۰۱) یکی از ساختار مهم محیط‌زیست شهری کیفیت زندگی می‌باشد که به راحتی قابل شناسایی نیستند، چرا که ترکیبی از عوامل مرتبط با احساس از محل همانند حافظه جمعی و محیط‌زیست ساخته و از زنجیره تاریخی و تاثیرپذیرفته از شرایط می‌باشد. (خداداد ۴۴ : ۱۴۰۱) لذا از جمله روش‌هایی که از حوزه‌های دیگر علمی در مطالعات معماری و شهرسازی وارد شده‌اند، روش زبان‌شناسی است. تجزیه و تحلیل زبان شناختی کاربردهای گسترده‌ای یافته است زیرا هر دو جنبه معماری و شهرسازی را پوشش می‌دهد و روش‌های ایجاد آنها را مورد بحث قرار می‌دهد. به همین دلیل از این روش در تحلیل فضاهای شهری سیستان در گذشته استفاده نشده است. اگرچه کاربرد آن، امکان شناخت بهتری را از جوانب تازه‌تر فراهم می‌آورد. تدوین دستور زبان طراحی شهری بویژه در منطقه سیستان برای نیل به موارد زیر کمک

می‌نماید:

- شهر به مثابه یک نظام زبانی در نظر گرفته می‌شود یعنی شکل و معنا به صورتی یکپارچه دیده می‌شوند.

- با مطالعه براساس تئوری زبان شناختی مفاهیم عمقی تاثیرگذار بر شکل‌گیری شهر شناسایی می‌شود

- مطالعه پیش از آنکه به محصول بپردازد، فرایند شکل‌گیری آن را جستجو می‌کند

- توجه به ریشه‌های تاریخی و علایق ملی، اعتقادات مذهبی، تکیه و اعتقاد به سنت‌های تاریخی رواج برخی صنایع دستی و هنرهای بومی (مثل بافندگی فرش و پاچه‌بافی)، فرهنگ سالاری و سنت مداری و رواج فعالیت‌های کشاورزی و دامداری (که کم‌کم جای خود را به فعالیت‌های تجاری می‌سپارد) از دیگر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مردم این منطقه بوده است.

پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان دستور زبان طراحی شهری را مطالعه کرده و کتاب‌ها و مقالات زیادی در این زمینه نوشته‌اند که به برخی از مهم‌ترین این منابع اشاره می‌شود: مطالعات زبان‌شناسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد در حوزه معماری و شهرسازی معمول شده‌اند. از اولین نوشته‌هایی که در چارچوب این نگرش چاپ شده‌اند، کتاب معنی در معماری^۱ مجموعه مقالاتی است که توسط چارلز جکنز و جرج برد (۱۹۶۹) تدوین شده‌اند. در چند دهه بعد رویکرد زبان شناسانه به معماری و شهرسازی بسیار معمول بوده است. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در چارچوب این رویکرد به چاپ رسیده است، مجموعه مقالاتی است که با عنوان (نشانه‌ها، نماده‌ها و معماری) توسط جفری برادبنت، ریچارد بانتو چارلز جکنز در سال ۱۹۸۰ تدوین شده‌اند.

از مهم‌ترین منابع غیرفارسی می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود: استفانو بی‌انکا (۲۰۰۰) در کتاب «فرم شهری در جهان عرب»^۲ اصول و قواعد شکل‌گیری فرم شهر را با تاکید بر شهر تونس در دوره‌های گذشته و حال تحقیق بررسی و تدوین نموده است. وی با جستجوی اصول و قواعد تکرار شونده در بافت‌های شهری، مساجد، خانه‌ها، بناهای عمومی و شبکه معابر را در شهرهای اسلامی بویژه تونس مطالعه کرده است (Biancao، ۲۰۰۰:۴-۵). همچنین ژوزه نانو بی‌رائو (۲۰۱۲) در کتاب «شهرساز: طراحی دستورزبان برای طراحان شهری»^۳ با استفاده از روش‌های نرم‌افزاری به مدل‌سازی و ارائه الگوی وضع موجود و پیشنهادی بافت‌های شهری اروپایی پرداخته است (José Beirão، ۲۰۱۲:۱۷). دوبرا ورنیز و خوزه پی دوارته^۴ در سال ۲۰۲۰ در پژوهش خود به بررسی دستور زبان شهری سانتا مارتا پرداخته‌اند و بر توسعه یک دستور شکل تحلیلی برای سانتا مارتا تمرکز کردند، حل و فصل نمادین مورد استفاده به‌عنوان یک مطالعه موردی انتقادی که قوانین آن تولید بافت شهری خود ساخته را توصیف می‌کند. این روش شامل تجزیه و تحلیل شکل ساخته شده و روابط شهری فیزیکی است. مدل حاصل یک دستور شکل است که بافت شهری سانتا مارتا را بازسازی می‌کند. کار آینده شامل ارزیابی فضای شهری مسکونی و تحول مناظر دستور زبان تحلیلی برای ایجاد دستور زبانی ترکیبی برای برنامه‌ریزی شهرک‌های مسکونی جدید است. (Debora Verniz and Jose P Duarte، ۲۰۲۰:۴) مجید یوسف نیاپاشا و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان شکل دستور زبان، فرهنگ و خلق خانه‌های بومی در سال ۲۰۱۹ به بررسی محیط بومی روستاهای مجاور مزارع برنج مازندرات به‌منظور شناسایی پیکربندی و ویژگی‌های خانه‌های بومی و قوانین دستوری کاربردی آن پرداختند در این راستا، براساس مطالعه موردی با استفاده از روش‌های مختلف از جمله ضبط بصری و مصاحبه گروهی به معیارها و عوامل موثر برای ایجاد قوانین از طریق مطالعات فرهنگی و آب و هوایی دست یافتند که نتیجه این فرایند نشان می‌دهد که مجموعه قوانین ارائه شده توسط این پژوهش می‌تواند بر ایجاد خانه‌های بومی در منطقه مورد مطالعه کارآمد باشد. (Majid Yousefnipasha and Catherine Teeling، ۲۰۱۹:۵) مهم‌ترین پژوهش‌های ایرانی هم عبارتند از: زهرا اهری (۱۳۸۱) در رساله دکتری و کتاب خود با عنوان دستور زبان شهری شالوده اصفهان، این پژوهش درباره ویژگی‌های زبانی شالوده شهر که در حقیقت مکان حیات عمومی شهری می‌باشد را در دستور کار خود قرار داده است. تحلیل زبان شناختی، از آنجایی که هر دو جنبه از محتوای معماری و شهرسازی را پوشش می‌دهد و روش‌های ایجاد آن را مورد بحث قرار می‌دهد. کاربردهای

¹ Meaning in Architecture

² Signs, symbols and architecture

³ Urban form in the Arab world

⁴ City Maker Designing Grammars for Urban Design

⁵ Debora Verniz and Jose P Duarte

گسترده‌ای یافته‌اند. به عبارت روشن‌تر این پژوهش اصفهان را در چارچوب روش همزمانی بر اساس منابع موجود و اسناد تاریخی مورد بررسی علمی قرار داده است و مطالعه صرفاً تاریخی، مبنای پژوهش قرار نگرفته است. (اهری، ۱۳۸۱: ۲۷).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به عنوان یک تحقیق کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد. شیوه انجام تحقیق ترکیبی از شیوه‌های توصیفی، تحلیلی و موردی می‌باشد. که پس از طرح کلیات پژوهش، در مطالعات نظری به تبیین و تدقیق چارچوب مفهومی پژوهش و ابعاد و معیارهای بررسی و ارزیابی استخراج خواهد شد. در ادامه با استفاده از معیارهای حاصله، بافت‌های با ارزش منطقه سیستان/زابل را شامل بناها، فضاها، روابط مابین آن‌ها برای استخراج قواعد و اصول مربوطه مطالعه خواهد شد.

چارچوب مفهومی پژوهش

واژه شناسی

بررسی مفهوم زبان می‌تواند چگونگی کاربرد این مفهوم را در حوزه معماری و طراحی شهری تبیین کند و ضمن آنکه جنبه مشترک آن را با حوزه‌های دیگر نشان می‌دهد، چارچوبی برای تعیین خصوصیات زبان معماری و طراحی شهری فراهم کند. در واژه شناسی، واژه عنصری است که در ساخت گروه استفاده می‌شود و به پدیده‌ای خیالی، واقعی، مادی یا انتزاعی در جهان خارج دلالت می‌کند. (رحمانی، شیخ مرند، نصرت زاده ۱۴۰۱: ۲) نمی‌توان زبان را به گونه‌ای تعریف کرد که همه زبان‌شناسان و سایر دانشمندانی که با آن سروکار دارند و به مطالعه زبان می‌پردازند بپذیرند. این اشکال به دلیل ماهیت زبان است، زیرا این پدیده به قدری پیچیده و دارای جنبه‌های متعددی است که نمی‌توان مطالعه آن را در حوزه علمی خاصی محدود کرد. از یک سو، زبان مهمترین ابزار ارتباطی است که می‌تواند افراد را در یک جامعه متحد کند و یک جامعه واحد ایجاد کند. به عبارت دیگر زبان مهمترین نهاد اجتماعی است. بنابراین جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان حق دارند زبان را از منظر خود تعریف کنند. از سوی دیگر، زبان وسیله‌ای برای بیان افکار و احساسات ماست و مؤثرترین ابزاری که جهان اندیشه و دنیای درون ما را به دنیای بیرون پیوند می‌دهد (باطنی، ۱۰: ۱۳۸۵-۹).

نظریه‌ها و اندیشه‌های مرتبط با دستور زبان طراحی شهری

زبان عنصر مهمی در شکل‌گیری افکار است که بر این اساس برخی از اشکال زندگی روزمره ما و بسیاری از ادراکات انسان از جهان اطراف خود با زبانی که صحبت می‌کنند برنامه‌ریزی می‌شوند. زبان دامنه تجربیات و مشاهدات انسان را در زمان و مکان گسترش می‌دهد، در حالی که نوشتن دامنه زبان را وسعت می‌دهد. با خواندن متن نیز معنا ایجاد می‌شود و زندگی را به وجود می‌آورد و در نهایت شهر را به جایی که زندگی در آن جریان دارد تبدیل می‌کند به قول گرماس:

«شهر مانند ساختار و دستور زبان یا به عبارتی محل گفتمان و نظیر متنی است که باید خوانش آن را آموخت.» در تعمیم مفهوم «متن» به واقعیت «شهر»، دلایل زیادی برای اینکه شهر را «متن» و «لوحی نگاشته» بدانیم وجود دارد. (براتی؛ شریفی فرد و نجاتیان ۱۳۹۴: ۸)

جستجوی مفهوم زبان، در واقع ریشه‌یابی مفهوم فلسفی آن است. از دیدگاه فلسفه زبان، این مفهوم طی قرون گذشته تحولات چندی را پشت سر نهاده. در واقع زبان و مفهوم آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده و سابقه توجه به این مفهوم به یونان باستان می‌رسد، اگرچه زبان به عنوان اصطلاحی فلسفی قدمت چندانی ندارد ولی در لغت نامه تاریخی فلسفه برای واژه زبان دو مفهوم عام و خاص آمده است: «زبان به طور کلی وسیله‌ای برای بیان عقاید و انتقال افکار است.» «زبان به معنای خود، اساساً نوعی زبان به معنای عام کلمه است و به وسایل ارتباطی اطلاق می‌شود که گروهی از مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند و گروه‌های دیگر آن را درک نمی‌کنند.» (بروشه و دیگران، ۱: ۱۳۷۷)

در سال‌های اولیه قرن بیستم، با ظهور دیدگاه‌های فردیناند دو سوسور در مورد زبان، زبان‌شناسی دستخوش تغییرات اساسی شد که قرن بیستم روند جدیدی را در تحقیقات زبان‌شناسی آمریکایی به نام زبان‌شناسی ساختاری به وجود آورد. این رویکرد مبتنی بر این دیدگاه بود که هر زبان، ساختار دستوری خاص خود را دارد و این وظیفه زبان‌شناس است که مقوله‌های توصیفی مناسب برای هر زبان را

کشف کند. (عندلیب، علیرضا؛ سمیرا هفت لنگی ۱۳۹۷: ۶) دوسوسور^۱ زبانشناسی را بخشی از دانش عمومی نشانه‌شناسی می‌داند و می‌گوید: می‌توان آن را علمی دانست که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی جامعه می‌پردازد و آن را نشانه‌شناسی می‌نامیم. این علم به ما می‌گوید که نشانه‌ها از چه چیزی ساخته شده‌اند و چه قوانینی بر آن‌ها حاکم است. زبان‌شناسی تنها بخشی از این دانش عمومی است. قوانینی را که نشانه‌شناسی کشف خواهد کرد، می‌توان به کار برد تا زبان‌شناسی در گستره‌ای از پدیده‌های انسانی به حوزه‌ای بسیار خاص تعلق گیرد. (دوسوسور ۱۳۷۸: ۲۴) یعنی آنچه که دوسوسور به عنوان نشانه در نظر می‌گیرد، طیف وسیعی از امور و مقولات مختلف یا ابزارهای بیان مقاصد یک جامعه و از جمله معماری و شهرسازی را نیز شامل می‌شود (اهری ۱۳۸۱: ۴۱) فضاهای شهری در عصر فناوری در پی اضافه شدن کاربر متصل در تمامی ابعاد در حال تغییر هستند و غفلت از شناخت این تحولات ما را از محتوای حال حاضر فضای شهری دور ساخته و امکان برنامه‌ریزی کارآمد را از شهرسازان سلب می‌نماید. (اسدی و همکاران ۱۴۰۲: ۷) به گواه تاریخ، بشر از دیرباز زندگی اجتماعی داشته که یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر در این زندگی برقراری ارتباط و ایجاد تفاهم با یکدیگر بوده و همواره از ابزارهای گوناگون برای برقراری ارتباط در جوامع خود استفاده می‌کند. بنابراین زبان یک نهاد اجتماعی است به آن معنا که اعضای یک جامعه عناصر آن را برای آگاهی و ارتباط با یکدیگر ایجاد کرده‌اند. زبان نه تنها مهم‌ترین ابزار ارتباط انسانی است، بلکه اساس بسیاری از نهادهای اجتماعی دیگر است و جوامع به دلیل ماهیت اجتماعی‌شان که با تفاوت‌هایشان سازگار است، متفاوت هستند. به عبارت دیگر، اگرچه این نهاد در همه جوامع بشری وجود دارد و کارکرد و نقش آن در همه جا یکسان است، اما شکل آن لزوماً در همه جوامع یکسان نیست و نحوه عملکرد آن در هر جامعه به وضوح با جامعه دیگر متفاوت است. بنابراین، هر شکلی از زبان تنها می‌تواند وظیفه ارتباط و تفاهم بین افراد خاص را انجام دهد. زبان در جمله تحقق می‌یابد و جمله، حاصل پیوند آوا و معنی است. «جملات زبان از معنایی درونی و تعیین شده از طریق قواعد نحوی برخوردارند و فرد مسلط بر زبان، به طریقی، نظام قواعدی را درونی کرده است که هم شکل آوایی جمله و هم محتوای معنایی و درونی آن را تعیین می‌کند. (بهمنی، مرزبان، ۱۳۹۵: ۹۵)

بنابراین می‌بینیم که در سیر تحول آراء مربوط به مفهوم زبان، جنبه بیانی و انتقال مفاهیم از طریق زبان، پایدار مانده است. آنچه آراء متفاوتی درباره آن ابراز شده است، رابطه بین زبان و پدیده‌های جهان خارج و زبان و اندیشه است. در حالی که در اندیشه‌های کهن‌تر تنها تصویری از پدیده‌ها یا اندیشه‌ها تلقی می‌شد، یعنی نقش زبان تنها انعکاس معانی برخاسته از تأثیرات بازنمایی‌های ذهنی یا ادراکات ناشی از پدیده‌های بیرونی است. در سیر تحول مفهوم آن، زبان به عنوان ابزاری برای شکل دادن به اندیشه یا در واقع ایجاد معانی و مفاهیم جدید تلقی می‌شود. (سمایی، ۱۳۸۲: ۴)

زبان از دیدگاه‌های مختلفی تعریف شده است که یکی از این تعاریف را جان لاینز (۱۹۹۰، صص ۳-۸) در کتاب خود تحت عنوان «زبان و زبان‌شناسی» بیان می‌کند. حال به بخشی از این تعاریف و دیدگاه در جدول (۱) می‌پردازیم:

جدول (۱). تعاریف و دیدگاه های زبانشناسی منبع: (نگارنده)

تعاریف و دیدگاه ها	نظریه پرداز
زبان روشی فطری است که انسان برای بیان دیدگاهها، عواطف و امیال بوسیله نمادهایی که بطور ارادی تولید شده اند استفاده می کند.	سایبر
زبان نظام نمادهای گفتاری قراردادی است که بوسیله آن یک گروه اجتماعی با هم همکاری می کنند	بلاچ و ترگر
زبان نهادی است که بوسیله آن انسانها با هم ارتباط برقرار می کنند تا بوسیله نمادهای قراردادی شنیداری-گفتاری که از روی عادت بکار می برند تعامل داشته باشند.	هال
زبان نظام نمادها است که تقریباً بر اساس قرار داد اختیاری ساخته شده اند. از نظر او زبان به سادگی قابل تعریف نیست مگر اینکه یک نظریه زبانی داشته باشیم.	رابین
زبان مجموعه ای از جملات است که هر یک از نظر طول محدود هستند و با استفاده از مجموعه محدودی از عناصر ساخته می شوند.	چامسکی
زبان نظامی نشانه‌ای است که بیانگر اندیشه‌هاست و از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، آداب معاشرت، علائم نظامی و غیره قابل مقایسه است. زبان فقط مهم‌ترین این نظام‌هاست. پس می‌توان علمی را طراحی کرد که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی بپردازد.	فردیناند دوسوسور

همه دیدگاه‌های فوق در مورد زبان، سیستم‌های نمادینی هستند که برای برقراری ارتباط طراحی شده اند، انعطاف پذیری، تغییر، استقلال از کنترل و پاسخ محرک و وابستگی ساختار از ویژگی‌های ذکر شده زبان اند. زبان و زبان‌شناسی در زمینه‌های مختلفی از جمله معماری و شهرسازی در سال‌های اخیر پوشش داده شده است. کریستوفر الکساندر (۱۹۷۹) زبان مدلی را برای طراحی شهری بر اساس ساختار زبان ارائه می‌دهد. تقریباً در همان زمان، جفری برودبنت (۱۹۷۲) به دنبال توسعه ژرفای زبان معماری بود. همچنین در همان دهه، مایکل گریوز با در نظر گرفتن معماری به عنوان یک نظام فرهنگی معنادار و با استفاده از مفاهیم خاصی از نظریه‌های زبانی، یک مدل معماری استعاری را پیشنهاد کرد. چارلز جکسون در کتاب معروف خود در سال ۱۹۸۷ به نقد زبان معماری فوق مدرن می‌پردازد و با استفاده از مفاهیم زبانی ویژگی‌های معماری مدرن را به معنای وسیع آن از جمله طراحی شهری تعریف می‌کند. این تجربه‌ها و دیگر مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که نظریه‌های زبان می‌توانند مبنای نظری خوبی برای توسعه نظریه‌های غیرزبانی در «طراحی شهری» و همچنین در سایر زمینه‌ها باشند.

در این بخش، با پذیرش کاربرد نظریه‌های زبان در مجموعه «نظریه طراحی شهری» سعی بر آن شد تا به جستجوی نظریه زبان یا نظریه‌های سازگار با مفهوم طراحی شهری بپردازیم و برای این منظور، از سه نظریه اساسی در زبان‌شناسی؛ زبان‌شناسی ساختاری فردیناند دو سوسور، نشانه‌شناسی رفتاری چارلز موریس و زبان‌شناسی دستوری نوام چامسکی با طراحی شهری مقایسه شوند. اما ویژگی مهمی که اساس این مقایسه را تشکیل می‌دهد توجه به ارزش‌ها، هنجارها و ساختار فرهنگی- معنایی جوامع محلی در توسعه زبان طراحی شهری است. فرض اصلی در اینجا این است که زبان‌ها یا تئوری‌های طراحی شهری در مکان‌های مختلف به طور کلی مشترکات زیادی دارند، اما در بیشتر موارد به تفاوت‌های فرهنگی جوامع مربوط خواهد شد. بر اساس این فرض، زبان طراحی شهری مانند «معماری بین المللی» زبانی جهانی نخواهد بود و لزوماً دارای ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ و جامعه مورد نظر خواهد بود. این فرضیه و سایر جنبه‌های مرتبط، معیارهای اصلی برای سنجش ارتباط نظریه‌های زبان با مفهوم محلی طراحی شهری در مکان‌های خاص مورد اشاره است.

متفکرانی مانند هوگو، لاکلیو و پرک درباره ادراکات درونی خود صحبت کردند. آن‌ها بدنه شهر را متن و نوشته می‌بینند مانند کتابی که به روی خوانندگان شهرشان باز است. رولان بارت در امپراتوری نشانه‌ها به صراحت بیان می‌کند که شهر یک کتاب درسی است و برخی مانند لینچ و کریستوفر الکساندر در رویکرد علمی و تجربی خود به شهر چنین دیدگاهی را بیان می‌کنند. گرماس به شهر به مثابه ساختار و دستور زبان و به عبارت دیگر یک «گفتمان» می‌نگرد و شهر را متنی می‌داند که باید خواندن آن را آموخت. (شعله، ۱۱۹:۲۰۱۱) بویر فضا را به عنوان یک متن می‌خواند، همانطور که بارت برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ پیشنهاد کرد: گفتمان در واقع مبتنی بر زبان هستند و بویر معتقد است که متن شهر با ساختار بصری شهر، تصویر ذهنی مردم در هم آمیخته شده است که حافظه جمعی را تداعی می‌کند، به عبارتی در بازی بین نحو شهر و ماهیت بوطیقای آن، انتظار می‌رود که ترکیبی به هم تنیده از فرم فضایی معنای ضمنی به دست آید. این ترکیب منجر به ارتقا توامان کیفیت هندسه شهر و ادراک تصویری از آن و یا به عبارتی ساده شکل و معنای شهر خواهد شد. مکاتب زبان‌شناسی برحسب دیدگاه‌ها و نظریه‌های خود تعاریف متفاوتی از زبان ارائه داده اند. اما نکته‌ای که اغلب این تعاریف به آن اشاره دارند، مهمترین و اصلی‌ترین کارکرد زبان یعنی نقش ارتباطی آن است. انسان از ابزار زبان برای برقراری ارتباط در جامعه سود

می‌جوید و زبان به خاطر این کارکرد نقش ویژه‌ای در حیات اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. زبان حافظه جامعه است، چراکه تجربیات، افکار، فرهنگ و ذهنیات جوامع زبانی در قالب آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. پس از طریق زبان می‌توان به مختصات، ارزش‌ها و بنیادهای فرهنگی-اجتماعی جوامع زبانی دست یافت. (سمایی، ۱۳۸۲:۴) علاوه بر شباهت و یا هم سخنی دو حوزه زبان و طراحی شهری، تلقی زبان‌شناسی به عنوان یک حوزه علمی نیز قابلیت استفاده از زبان را در تدوین نظریه طراحی شهری افزایش می‌دهد. زبان‌شناسان نیز مانند سایر دانشمندان در حوزه‌های دیگر علوم، سعی داشته‌اند که از طریق تدوین و آزمایش یکسری نظریه‌های تجربی، زبان را به عنوان یکی دیگر از حوزه‌های علوم معرفی نمایند. در تعاریف این دانشمندان، زبان یک بدنه مادی نوشتاری یا گفتاری شامل لغات یا عناصر زبان، و قواعدی است که آن عناصر را به هم ربط می‌دهد. براساس این بدنه مادی انواع نظریه‌های زبانی با هدف تجزیه و تحلیل عناصر زبان و تهیه بیانیه‌هایی عمومی که تمامی قواعد، قانونمندی‌ها و انواع بی‌شمار پدیده‌های واقع در قلمرو زبان را توضیح و تبیین نماید، تدوین شده‌اند. چنین نظریه‌هایی زبان‌شناسی را به عنوان یک علم مشروعیت بخشیده‌اند. لذا نظریه‌های زبانی به دلیل جایگاه علمی‌ای که یافته‌اند می‌توانند چارچوب نظری مناسبی را برای تدوین نظریه در سایر رشته‌ها و همچنین طراحی شهری فراهم آورند. چنانچه انواع این نظریه‌ها در حوزه‌های غیر زبانی مثل مردم‌شناسی، معماری و طراحی شهری نیز بکار رفته است که از جمله می‌توان به اشتراوس ۱۹۶۳، جنکس ۱۹۸۴، الکساندر ۱۹۷۹، بحرینی ۱۹۹۸ و غیره اشاره کرد که در جای خود معرفی خواهند شد. (فریادی، ۱۳۸۱:۶۳-۶۴)

می‌توان بخش نظریه‌های زبان را با تبیین معنا و مفهوم طراحی شهری آغاز کرد، اما قبل از آن باید به دیدگاه‌های اساسی و متفاوت ارائه‌شده در نظریه‌های زبان اشاره کرد. توجه به دیدگاه‌های متفاوت زبان‌شناسی و مقایسه اجمالی آن با دیدگاه‌های غالب در شهرسازی و طراحی شهری، جهت گیری مقایسه را دقیق‌تر می‌کند

جدول (۲). جمع بندی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها (منبع: نگارنده)

نکات کلیدی	ویژگیهای پژوهش	پژوهشگر
تاکید بر عناصر تاریخی و طبیعی (مادی) به عنوان زبان مکتب اصفهان	در این پژوهش با بررسی و تحلیل الگوهای نظری موجود، یک الگوی نظری خاص برای تحلیل ساخت زبانی در دستور زبان طراحی شالوده شهری اصفهان ایجاد شده است. این الگو مبتنی بر الگوی اصلاح شده نوام چامسکی می‌باشد.	زهرا اهری (۱۳۶۲)
ساختار معنایی، دستور زبان، نظریه‌های زبانی، زبان‌شناسی ساختارگرا	تدوین یک نظریه قانونمند یا تعمیم‌پذیر جهانی برای طراحی شهری نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هیچ نظریه زبانی منحصر بفردی به تنهایی برای این منظور کافی نخواهد بود	شهرزاد فریادی (۱۳۸۱)
زبان الگو برای شکل دهی به محیط، توجه به ساختار مفهومی الگوها، هر الگو دارای نقشی در شکل دهی به کل حاصل از الگوهاست.	زبان الگو، روش بی‌زمان ساختن بر نظم‌های درونی	کریستوفر الکساندر (۱۹۷۹)
- زبان‌شناسی ساختارگرا شیوه‌ای کاملاً تجربی و متکی بر روشی علمی است به این ترتیب اعتبار زیادی به طراحی شهری می‌بخشد. - اثبات زبان‌شناسی به عنوان یک علم	زبان‌شناسی ساختاری، تفاوت میان گفتار و نوشتار، تفاوت میان دال و مدلول، تمایز بین ارتباط همنشینی و جانشینی، تحلیل همزمانی و درزمانی.	دوسوسور
توجه به روساخت و ژرف ساخت در زبان و ارتباط بین آنها	دستور زبان زایشی-گشتاری	چامسکی
دو عامل اصلی تشکیل دهنده زبان را مجموعه نشانه‌ها و مجموعه قوانین می‌داند	تدوین دانش پایه و زبان طراحی شهری	سید حسین بحرینی
بررسی قواعدی که زبان برای معنا فراهم می‌کند	نشانه‌شناسی	رولان بارت

زبان و دستور زبان

استفاده از واژه زبان در حوزه‌های مختلف هنری در دهه‌های گذشته امری معمول بوده، اصطلاح زبان معماری و طراحی شهری در دهه‌های گذشته، مانند رشته‌های دیگر رایج شده است. از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به بعد استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی و دیدن معماری به مثابه‌ی یک زبان در نظریات معماری رایج شده است، (فریادی، ۱۳۸۱:۹۴) کیفیت زندگی و سطح رضایت افراد از فضاهای عمومی شهری تا حد زیادی وابسته به امنیت و احساس امنیت می‌باشد. کنترل و تعدیل رفتارهای تخریب‌گرایانه تاثیر بسیار زیادی در این زمینه

دارد. با توجه به دیدگاه شهرسازی و عوامل محیطی و موقعیت‌های مکانی، با تغییر در چگونگی شکل‌گیری مکان‌ها و طراحی شهری، رفتارهای انسانی و الگوهای رفتاری افراد در فضاهای عمومی شهری قابل کنترل هستند. به عبارتی مکان و موقعیت‌های مکانی بر الگوهای رفتاری و کنش‌های اجتماعی افراد تاثیر گذارند. بنابراین چگونگی طراحی فضاهای شهری و عوامل محیطی و فیزیکی بر میزان تخریب‌گرایی در فضاهای عمومی شهری نیز موثر هستند. (پورهمدانی، شیعه، ذاکر حقیقی، ۱۴۰۱: ۴۷)

هر شهر دارای ساختار معنایی است که شامل اهداف، ارزش‌ها و هنجارهایی است که زمینه فرهنگی سازندگان و ساکنان آن را تشکیل می‌دهد. این بافت فرهنگی که ساختار معنایی دارد، بر شکل شهر تأثیر می‌گذارد و از این رو اشکال شهری متفاوت در فرهنگ‌ها و فضاهای مختلف دیده می‌شود. (راپاپورت ۱۹۶۸: ۱۶، ۴۱۵) ساختار معنایی شهر یک پدیده ذهنی است و در مقایسه با زبان همانند اندیشه‌ای است که در ذهن حک شده و از طریق زبان بیان می‌شود. از سوی دیگر شهر دارای جسم، وجودی مشهود و محسوس است. بدنه شهر متشکل از خانه‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها، محله‌ها، مراکز خرید و غیره است که شبیه کلمات معنادار در زبان هستند و از عناصر رسمی و فعالیت‌های شهری تشکیل شده است. علاوه بر این، در هر شهری قوانینی وجود دارد که با کنار هم قرار دادن عناصر یا اجزای فیزیکی و فرمی شهر به ترتیبی معین، بخش‌ها یا کل شهر را ایجاد می‌کند. اینها نیز مشابه دستور زبان در نظر گرفته می‌شوند. به طور کلی عناصر کالبدی و فعالیت‌های شهری، عناصر محتوایی و قواعد نظارتی را به گونه‌ای که در کنار یکدیگر وجود دارند، می‌توان عناصر رویه‌ای شهر نامید». (Bahrainy 1998: 13, 14)

جدول (۳). زبان و اجزای آن در دو بخش نوشتاری و گفتاری (منبع: یافته‌های پژوهش)

اجزاء زبان / دستور زبان	اجزای زبان				
	عبارت	کلمه	حرف	علامت	متن (پاراگراف، داستان و ...)
زبان نوشتاری	شهر از صدا پُر است ولی از سخن، تهی ...	شهر	ش، ه، ر	!؛	عاقبت روزی نیاز به فضا را احساس خواهیم کرد بی خبر به سراغمان خواهد آمد و دیگر ما را رها نخواهد، میل مقاومت ناپذیر داشتن فضایی از آن خود، فضای متحرکی که ما را به دور دست‌ها ببرد؛ همه چیز در دسترس مان باشد و هیچ کمبودی نداشته باشیم. (اژه، ۱۳۸۷: ۲۵)
زبان گفتاری	جناب خواجه فرمودن که "خه سایه خه شیش تیه"	خه سایه خا شیش تیه	خ، و	خو	به کسی اطلاق می‌شود که خودشیفته باشد و مغرور و بزرگتر از خود احترام نگذارد".

در برخی مکان‌ها، زبان طراحی شهری نه ابداع زبانی کاملاً جدید بر اساس ویژگی‌های آینده است و نه تکرار خاص معانی، واژه‌ها و قواعد مورد استفاده در شکل‌گیری شهرهای سنتی و تاریخی. این زبان متشکل از معانی، کلمات و قواعد رایجی است که شهر را در سه دوره زمانی گذشته، اکنون و آینده شکل داده است. نباید فراموش کرد که شکل‌گیری و توسعه شهرهای سنتی در گذشته بر اساس زبانی طبیعی و خود به خود ابداع شده و ساخت سازمان یافته در قالب دانش ذهنی و درونی مردم و سازندگان بوده است. اما این زبان هرگز رمزگذاری نشد زیرا به طور شهودی و خلاقانه استفاده می‌شد، نه از طریق برنامه ریزی قبلی یا آموزش مستقیم. از این رو، به دنبال تحولات اقتصادی-اجتماعی بزرگ دوران مدرنیسم در قرن اخیر، این زبان در نقاط مختلف به ویژه در فرهنگ‌های شرقی به طور جدی دگرگون شده و به فراموشی سپرده شده است. بنابراین مشاهده می‌شود که زبان طراحی شهری را می‌توان با شناسایی زبان گذشته و تداعی آن با مفاهیم جدید حال و آینده به گونه‌ای پایدار و قابل استفاده توسعه داد. بنابراین، زبان طراحی شهری زبانی است که اهداف، ارزش‌ها و فرهنگ‌های منحصر به فرد هر جامعه را برجسته می‌کند و در سه مولفه ساختار معنایی، عناصر محتوا یا کلمات و عناصری که به قواعد و دستور زبان می‌نگرند، تدوین می‌شود.

تاثیر زبان در ساختار شکلی متن شهر

نخستین علت استفاده از زبان بر اساس ماهیت فرهنگ و تأثیر مشابه آن در شکل‌گیری شهر است. فرهنگ به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم اطلاق می‌شود که در ترکیب با ویژگی‌های محیطی یک جامعه، رفتارها و سبک‌های زندگی خاصی را در آن

جامعه شکل می‌دهد. اینها شامل «نوع رفتار» و روشی است که زندگی به محیط فیزیکی آن «شکل می‌دهد». بنابراین فرآیند شکل‌دهی شهر، فرآیند شکل‌دهی باورها، ارزش‌ها و نیازها به‌عنوان پدیده‌های ذهنی و انتزاعی و تبدیل آن‌ها به شکل‌ها و فعالیت‌های شهری به‌عنوان پدیده‌های فیزیکی و انضمامی است که ساختارهای ذهنی را می‌سازند. این شهر از مجموعه آن‌ها تشکیل شده است. به همین ترتیب، فرآیند گفتار در زبان، شکل و حضور ایده‌ها در ذهن و عینیت آن‌ها در کلمات و واقعیت است. در واقع، در هر دو فرآیند انتقال «ذهن» به «واقعیت» به شیوه خود صورت می‌گیرد. وجود چنین تشابه اساسی در روند شکل‌گیری شهر و زبان، امکان استفاده از ساختارهای نظریه‌های مقررات را در این فرآیند ممکن می‌سازد که زبان به طور طبیعی یکی از موفق‌ترین راه‌ها برای ارتباط و توصیف آن بوده است. زبان شامل مجموعه‌ای از کلمات یا عبارات است که عناصر محتوا را تشکیل می‌دهند. این عناصر توسط همه اعضای یک جامعه هم زبان شناخته شده و معانی مشترکی را منتقل می‌کنند. افراد جامعه از این عناصر برای ایجاد جملات، گفته‌ها و متون بی‌شماری با تنوع در شکل و مفهوم استفاده می‌کنند. (فریادی، ۱۳۸۱: ۵۳) در جدول (۴) به قیاس و رابطه زبان نوشتاری و گفتاری انسان با زبان در ساختار شهری پرداختیم که به شرح زیر می‌باشد

جدول (۴). مقایسه و رابطه زبان نوشتاری و گفتاری انسان با زبان شهر (منبع: یافته‌های پژوهش)

اجزاء / مصادیق	زبان نوشتاری و گفتاری انسان	زبان شهر
علامت	. ؟ () ء و ...	درب خانه، نرده، سطل زبال و ...
حرف	آ، ب، پ، ت و ...	اجزای بنا (اتاق، حیاط، پشت بام، مطبخ و ...) فضای عمومی (هر قسمتی از فضای عمومی)
کلمه	شهر، انسان،	تک بنا (خانه، مسجد، مغازه، بانک، مدرسه و ...) فضای عمومی (کوچه، خیابان، میدانچه، میدان و ...)
عبارت	تعاملات اجتماعی؛ نیازهای مختلف انسان	واحد همسایگی (یک کوچه با خانه هایش، یک خیابان با مغازه هایش و ...)
جمله/مصراع/بیت	انسانها برای زندگی اجتماعی شهر را می‌سازند.	یک محله با کوچه‌ها و خانه‌ها و فضاها و بناهای عمومی و نیمه‌عمومی
متن (پاراگراف، داستان و ...)	سنگ‌ها دیوار را می‌سازند، دیوارها خانه‌ها را، خانه‌ها خیابان را و خیابان‌ها شهر را می‌سازند. شهر پر از سنگ و آدم نیست. وقتی از روستا قدم بیرون می‌گذاریم و به شهر وارد می‌شویم، سازمان اجتماعی جدیدی را بنیان می‌کنیم و اساس آن سازمان چیزی جز تقسیم کار و سلسه قوانین نیست	فضای عمومی شهر نظیر خیابان‌ها، میدانها، پارک‌ها و مکان، محور دید، حیاط، فضای تنگ، فضای پریچ و خم، دالان

محدوده مورد مطالعه

سیستان با وسعت ۱۵۲۰۰ کیلومتر مربع در منتهی الیه مرز شرقی ایران قرار دارد؛ این منطقه یکی از بزرگترین مناطق بیابانی دنیاست. سیستان منطقه وسیعی از ایران و افغانستان است که در مقطعی بین دو کشور تقسیم شده بود و بخش کوچکی در ایران و بخش بزرگی در افغانستان قرار دارد. محدوده جغرافیایی این منطقه در ایران منطبق بر شهرستان زابل است و بین ۳۰ درجه و ۷ دقیقه و ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه و ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی محدود می‌شود. از شمال، شرق و جنوب شرق با افغانستان، از جنوب غربی با بلوچستان، از غرب و شمال غرب با استان خراسان جنوبی همسایه است و از این رو منطقه سیستان از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. این منطقه دارای آب و هوای بیابانی گرم، خشک است که تقریباً بیشتر منطقه (به جز جنوب غربی) را در بر می‌گیرد. حدود چهار پنجم منطقه تحت پوشش این نوع اقلیم است. موقعیت اقلیمی و جغرافیایی استان، وجود دریاچه هامون و رودخانه هیرمند باعث شده تا بسیاری از ابعاد زندگی مردم منطقه سیستان از نظر اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر این عوامل قرار گیرد و این دو عامل نقش بسیار مهم در این منطقه ایفا می‌کنند. (مقدم، شهرکی، بیدرنامی، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

ابعاد و مولفه‌ها

طراحی شهری را میتوان دارای زبانی فرض کرد که مانند نظام‌های ارتباطی دیگر معانی، مفاهیم، اندیشه‌ها و معرفت مربوط به زمینه خود را منتقل می‌کند. حال باید دید که عناصر تشکیل دهنده این زبان و نحوه ترکیب آن‌ها چه هستند. برای شناسایی ساختار زبان طراحی شهری و واحد زبانی تشکیل دهنده آن، ابتدا باید زبان طراحی شهری را در قلمرو وسیع‌تر معماری و طراحی شهری مورد بررسی قرار دهیم، چون در سطوح مختلف هردو به فضای کالبدی و خصوصیات آن می‌پردازند و از این رو قبل از تفکیک این دو سطح، با توجه

به مبانی مشترک آن‌ها باید یکجا مورد بررسی قرار گیرند. سپس واحد زبانی تشکیل دهنده زبان طراحی شهری را شناسایی می‌کنیم. زبان طراحی شهری از سه بخش اصلی تشکیل شده است: زبان^۱، ساختار یا قوانین زبان^۲ و ساختار ذهنی و معنایی. زبان هر چیزی است که در شهر به عنوان ظاهر، فرم، بدن و شیء مشاهده یا استفاده می‌شود. این تفسیر مبتنی بر نظریه زبان‌شناسی ساختاری است که زبان را حاوی واج‌ها، واژه‌ها، به معنای واژه‌ها یا نشانه‌ها و ترکیب‌های آن‌ها معرفی می‌کند. (فریادی، ۱۳۷۹: ۱۲)

ساختار زبان قواعد و مقرراتی است که در آن زبان یا عناصر محتوایی شهر به ترتیب معینی چیده شده و توسط همگان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در زبان طراحی شهری، این قوانین و مقررات، عناصر رویه‌ای هستند. تعیین ساختار زبان به معنای شناخت قواعد ارتباطی به کار رفته یا پیشنهاد شده در ترکیب عناصر محتوایی شهر و ساختن معانی این ترکیب‌ها بر اساس اصل همزیستی است. این ویژگی بر اساس نظریه زبان‌شناسی ساختاری تعیین می‌شود. (حبیبی، اهری، ۱۳۸۶: ۱۳) با این تفاسیر دستور زبان طراحی شهری در این پژوهش با تاکید بر موردپژوهی منطقه سیستان، شامل واژگان، قواعد نگارشی، را می‌توان در ۶ مولفه تاثیر گذار بر زبان که شامل مولفه های فرهنگی و اجتماعی، زیست‌محیطی، فضایی_کالبدی، اساطیری و جغرافیایی و منظر تبیین نمود:

جدول (۵). مولفه های پژوهش و رابطه آن با دستور زبان (منبع: یافته های پژوهش)

مولفه	ویژگیهای هر مولفه	معیارها/ مصادیق
مولفه جغرافیایی	در مقیاس شهر و فراشهری؛ در اقلیم؛ خاک و ناهمواریها، بادها، رودها، کوهها و ... قابل ملاحظه است.	طبیعت کویری سیستان و بلوچستان کم آبی، طوفانهای زایل، رودهای ...
مولفه اجتماعی فرهنگی	در مقیاسهای مختلف از خانواده و محله و شهر و منطقه؛ در لباس، غذا، آیین ها و مراسم ها، گویش ها و ... قابل ملاحظه است.	لباس بلوچی، زبان سیستانی
مولفه عملکردی	شبکه دسترسی، ساختار شهر و استخوان بندی، فعالیت های موجود در شهر	فضاهای هشتی، ساباط، خم
مولفه منظر	شامل اطلاعات فرم، عملکرد و معنای فضا و بخشی از کل شهر است.	وجود دریاچه و کوه ها

در ادامه به تفصیل مولفه های تاثیر گذار را شرح می دهیم از جمله مولفه های اثر گذار در زبان طراحی شهری منطقه می توان به :

مولفه اجتماعی فرهنگی

عوامل اجتماعی و فرهنگی بر سازمان و ساختار فضایی اثر گذار است. عوامل اجتماعی موثر بر شکل سکونتگاه‌ها مواردی چون سنت سکونت (نحوه سکونت پیشینیان)، ساختار خانواده (هسته‌ای و گسترده) و مهاجرت، روابط خویشاوندی، قشر بندی اجتماعی (نظام سلسله مراتب قدرت)، امنیت (پدیده غارت و دفاع) و اعتقادات مذهبی و باورها و رسوم را شامل می‌گردد و اثرات مولفه‌های فوق به صورت برونگرایی، درونگرایی، محصوریت، سلسله مراتب دسترسی، قلمرو و تعیین حریم، اشراف و همجواری بر شکل سکونتگاه می‌توان مشاهده نمود. همچنین عوامل و عناصر اجتماعی بر سازمان و ساختار فضایی تاثیر گذار می‌باشد و در فرم، اندازه، تعداد و نوع فضاها، کیفیت و سایر خصوصیات مسکن نمایان می‌شود. این عوامل با گذشت زمان دارای شدت و جهت متفاوتی می‌شوند. (کیخا، ۱۳۹۲: ۱۴)

این شامل ویژگی‌های مثبت و منفی یک فضای اجتماعی است. نشان می‌دهد که فضای شهر چگونه به حضور و رفتار متفاوت مردم در آن پاسخ اجتماعی می‌دهد. به همین دلیل تأثیرات فضا بر عملکرد افراد و نحوه تنظیم و کنترل رفتار افراد ساکن در محیط از موضوعات اصلی ابعاد اجتماعی یک فضا است. بررسی شهر در بستری فرهنگی، رابطه کنش ها و اندیشه های حاصل از تجارب فردی و اجتماعی از یک سو و زندگی و اشکال شهری از سوی دیگر را بررسی می‌کند و در دوره های مختلف تاریخی و فرهنگی مورد استقبال جوامع بشری قرار گرفته است. شرایط اقلیمی متنوع و مساعد و موقعیت استراتژیک عالی که ایران را به پل ارتباطی شرق و غرب تبدیل کرده است، مهمترین عوامل جذب گروه هایی از مردم به این سرزمین ها است. مناظر فرهنگی از گذشته هر کشور نمادی از هویت غنی فرهنگی و تمدن نیاکان آن‌هاست که در هر صورت به زندگی مردم و ملت آن‌ها معنا می‌بخشد و باعث سربلندی و عزت سیستان در زمان خود می‌شود. در سال های خیلی گذشته سیستان مدتی مرکز تلاقی و افتخار فرهنگ ها و تمدن های بزرگ بوده است. سیستان همیشه کشوری ایرانی بوده که نوعی فرهنگ ایرانی به تمام معنا در آن جاری است. فرهنگ ها و تمدن های بومی سیستان هیچگاه از بدنه اصلی فرهنگ ایرانی در سایر نقاط ایران مستقل و تفکیک شده نبوده است و چه بسا خود سیستان مدتی گل سرسبد تاریخ و

¹ parole

² langue

فرهنگ ایران بوده است. اساطیر ایران پیش از اسلام و حماسه ملی ایران با سرزمین سیستان گره خوردند و پس از اسلام فرهنگ غنی ایران در سیستان تحت لوای قدرت صفاری در دوره اول اسلامی به گونه‌ای استقلال فرهنگی و سیاسی از حکومت خلفای بغداد دست پیدا کرد. اسم سیستان همچنان پر آوازه بوده است.

وقتی سبک پوشش افراد در هر قومی بررسی می‌شود، مولفه‌های مختلفی که در موقعیت جغرافیایی هر منطقه، جنسیت و ظاهر پوشش به چشم می‌خورد از جمله این مولفه‌ها به ذهن می‌رسد. یکی از وظایف لباس محافظت از فرد در برابر عوامل خارجی مانند عامل طبیعی و آب و هوایی است به عنوان مثال (قبا) یکی از تن‌پوش‌های مردان سیستانی است که مزین به براق دوزی است و مخصوص مردان بسیار مرفه سیستان می‌باشد. سایر مواد موثر در نوع لباس؛ دین، باورها و آداب و رسوم هر ملتی است. به عنوان مثال می‌توان از تبون دامن پرچین سیستانی نام برد که در هنگام مسافرت، بانوان، برای حفظ حجاب شلوار ساده‌ای زیر آن می‌پوشیدند. (اشرف السادات عمرانی نسب، ۱۳۸۶: ۸). حال در جدول (۶) به تحلیل این مولفه در منطقه سیستان و رابطه آن با دستور زبان پرداخته ایم که به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۶). مولفه‌ی اجتماعی و فرهنگی و رابطه آن با دستور زبان (منبع: یافته‌های پژوهش)

تصویر/ کروکی	زبان طراحی شهری	ویژگیها	زیرمولفه‌ها/متغیرها
	نشان می‌دهد که فضای شهر چگونه به حضور و رفتار متفاوت مردم در آن پاسخ اجتماعی می‌دهد	وجود دو قوم بلوچ و سیستانی که نشان از اقلیم و موقعیت منطقه می‌باشد	اقوام
	یکی از کارکردهای لباس مصون داشتن فرد در برابر عوامل طبیعی و آب و هوایی است مانند یکی از تن پوش های مردان بلوچ که کیا نام دارد	بررسی نوع پوشاک مردم هر قومی مولفه‌های گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کنند که از جمله این مولفه‌ها، وضعیت جغرافیایی هر منطقه است که تاثیر آن را در جنس و در ظاهر لباس می‌توان دید	پوشش
	رسوبات حمل شده توسط آب رودخانه‌ی هیرمند و وزش بادهای ۱۲۰ روزه که میلیون‌ها تن گل و لای و شن و ماسه‌ی روان را با خود به همراه دارد، نظام هماهنگ و پیچیده‌ای برای لایروبی انهار در سیستان به نام "حشر" به وجود آورده است.	راسم حشر در سیستان، کشاورزان با برگزاری مراسم حشر در منطقه سیستان سال زراعی جدید را اعلام می‌دارند حشر از قدمت بالایی در سیستان برخوردار بوده و مردان سیستانی همواره با نمادی از غیرت و تعصب در جهت آبادانی منطقه خود با تیشه‌های معروف سیستانی پای به این نهرها گذاشته و انهار مربوطه را لایروبی می‌کنند.	آیین‌ها
		سفالگری از هنرهای بسیاری قدیمی در سیستان و بلوچستان است و سفال‌های کشف شده در شهر سوخته به خوبی قدمت این هنر را نشان می‌دهند.	صنایع دستی

مولفه جغرافیایی

اقلیم هر منطقه از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر معماری و شاخصه‌ای از هویت معماری آن منطقه است همچنان که آسایش و در مواردی بقای او وابسته به مهارتی است که با آن ساختمان‌ها، فضای منطبق با محیط اقلیمی را به وجود آورده است. در ظاهر اقلیمی، شکل یا فرم ساختمان تابعی از عناصر اقلیمی است که هر یک از اشکال و خواص مختلف، رنگ و سطح آن تحت تاثیر دما، نور خورشید، باد و رطوبت قرار می‌گیرد و سطوح خارجی را از تابش مستقیم نور خورشید در گرما به حداقل برسانید. در منطقه‌های گرم و خشک، استفاده از رنگ‌های روشن بیشتر کاربرد دارد به این دلیل که رنگ‌های روشن گرمای کمتری جذب می‌کنند، گزینش بدنه‌های مسطح یا

منحنی در مناطق مناسب اقلیمی و اندازه سطوح به خصوص بازشوها با توجه به شرایط اقلیمی برخی ملاحظات اقلیمی در رابطه با شکل است. در جدول (۷) به تحلیل مولفه‌ی جغرافیایی سیستان و رابطه آن با دستور زبان طراحی شهری پرداخته شده است که به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۷). مولفه‌ی جغرافیایی و رابطه آن با دستور زبان (منبع: یافته‌های پژوهش)

تصویر/کروکی	زبان طراحی شهری	ویژگیها	زیرمولفه‌ها/متغیرها
	قلعه‌های دفاعی، معماری امنیتی،	مرزی، ساحلی، مرکزی،	موقعیت جغرافیایی
	بافت فشرده، خانه‌های حیات مرکزی و ...	سرما، گرما، اعتدال دما،	دما
	فشرده‌گی بناها در بافت،	شرجی، خشکی، اعتدال رطوبتی	رطوبت
	بادگیر، خارخانه،	نسیم، طوفان	باد
	یک مجموعه شهرسازی بهم پیوسته فعال در منطقه	وجود چاه نیمه‌ها	آب
	دیوارهای کاهگلی	سنگ، کاهگل،	مصالح
ماسوله، میمند و ... 	سکونتگاههای پله‌ای، زیرزمینی و ...	تپه، مسطح، دامنه کوه، صخره، دره	شیب و ناهمواریها

مولفه منظر شهری

شهر از جمله مهمترین دستاوردهای انسان و رهاورد زندگی اجتماعی وی است. بنابراین نیاز است این ساختار مهم تحت تاثیر رویکردهای علمی حفظ شود. می‌توان با طراحی مناسب و حذف آلودگی‌های محیطی همچون آلودگی بصری، فضاهای عمومی مناسبی را جهت حضور عابران و شهروندان فراهم ساخت سیستان را وجود مزیت‌هایی از جمله: وجود نشانه‌های هویتی با ارزش در شهر که پیوند خورده با اعتقادات مذهبی و تاریخی شهروندان است، می‌توان با استفاده از روش زبان شناختی ساختاری، شرح خدمات منظر شهری منطقه را به گونه‌ای تدوین کرد که در مرحله شناخت و مرحله طراحی اماکن شکل دهی منظر شهری را در این فرایند، در قالب کیفیات کالبدی- فضایی مناسب با واقعیت‌های زمینه‌ای، ابعاد فنی و زیبایی شناختی و نیز ابعاد معنایی و هویتی و انواع مختلف تاریخی، اجتماعی، محیطی و غیره. ابعاد را نیز می‌توان به صورت عمیق مورد بحث قرار داد. کیفیت‌های منحصر بفرد انسانی، محیطی و تاریخی به فضاها و سکونتگاه‌های منطقه سیستان، غنای معنایی ماندگار و پویایی بخشیده است. از دیدگاه وبر، نیز پیوندهای عاطفی و ارگانیک در ایجاد اجتماع و پیوندهای مبنی بر روابط قراردادی منجر به شکل‌گیری جامعه می‌شود. (حسین آبادی، الهیان کیکانلو ۱۴۰۱: ۳۶)

فضای شهری پدیده‌ای چندوجهی است که جنبه عینی آن از طریق مناظر گوناگون قابل تجربه و درک است. اطلاعات ارسالی از فضای شهری نه تنها اطلاعات فیزیکی و بصری است، بلکه اطلاعاتی است که توسط تمام حواس درک می‌شود که می‌تواند در فرآیند دریافت و درک توسط حواس پردازش شود. اطلاعاتی در مورد شکل، عملکرد و معنای فضا. پرسپکتیو اطلاعات مختلفی را به عنوان یک فرستنده به انسان منتقل می‌کند و این‌ها را می‌توان به دو دسته عناصر فیزیکی و انسانی تقسیم کرد. عناصر کالبدی عبارتند از بدنه، کف، مبلمان شهری و پوشش گیاهی و... که ظرف فضا را تشکیل می‌دهند. در حالی که عناصر طبیعی و مصنوعی متشکل از عناصر، عوامل انسانی، افراد، فعالیت‌های جمعیت در فضا هستند و با رفتار خود کلیتی جدایی ناپذیر هستند. (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۳۲) این مولفه بطور کلی هر عنصر بصری که در دستور زبان طراحی شهری تاثیر دارد را شناسایی و تحلیل نموده و سپس در قالب قواعد و اصول شکل دهنده طراحی شهری معرفی و ارائه خواهد نمود. این عناصر بصری عبارتند از:

- ۱- نماهای ارزشمند بویژه در بافتهای تاریخی و قدیمی و سکونتگاه‌های با هویت
 - ۲- خط آسمان و دورنمای شهری و عناصر شاخص سیلوئت شهری (همچون گنبدها و بادگیرها و ورودیها و ...)
 - ۳- تناسبات بصری در اجزا و ارکان شهری
 - ۴- عناصر طبیعی موثر در منظر شهری (همچون مصالح بومی، کوه‌ها، رودها و پوشش گیاهی و ...).
- در منطقه سیستان عناصر فوق همچون آس بادها، قلعه مچی، قلعه رستم، قلعه رستم، شهر سوخته، دریاچه‌ی هامون، کوه خواجه، نقش پررنگی در منظر شهری دارند. که در جدول (۸) به تفصیل این موارد بیان شده است و ارتباطش را دستور زبان طراحی شهری شرح میدهد.

جدول (۸). تجلی منظر بر الگوی زبان بافت شهری (منبع: یافته های پژوهش)

تصویر/اکروکی	نمودها، قواعد و دستور زبان الگو	اجزای فرم، فضا و کالبد بافت	مولفه
	<ul style="list-style-type: none"> - مسجد، شاخص ترین عنصر کالبدی هر محله یا منطقه ای است و بر سیمای آن موثر می باشد - در برخی از روستاهای این منطقه کنار چشمه ها و نهرها نمازخانه هایی دایر است - درون بافت فضایی برای نمایش آیینی مانند تعذیه وجود دارد 	مجموعه بافت	منظر شهری
	<ul style="list-style-type: none"> - مسیری که عزاداران محرم از آن حرکت می کنند عریض تر از سایر معابر است. - مراسمی مانند سحرخوانی، چاوشی، تعذیه خوانی، یکی از عوامل پیدایش میدانگاه های وسیع در منطقه است 	شبکه معابر	
	<ul style="list-style-type: none"> - در مواقعی که روستا بزرگ باشد هر یک از محلات دارای یک مسجد است از جمله روستای قلعه نو، بالاخانه - میدانگاه وسیعی مقابل مساجد یا حسینیه ها دیده می شود که علاوه بر ایفای عملکرد در ایام عزاداری محرم، محل تجمع اهالی نیز می باشد. 	محلات و مرکز محله ها	
	<ul style="list-style-type: none"> - وجود اعتقادات مذهبی که به کاربری هایی چون حسینیه، تکیه، مهديه و... را در روستا ایجاد می کند. - بناهایی مانند امام زاده در روستا به رشد و توسعه روستا کمک می کند. 	کاربری زمین و توسعه بافت	
	<ul style="list-style-type: none"> - ارتفاع دیوارها معمولا بلند و کمترین بازشو را به بیرون دارند. - در بسیاری از قسمت های روستا خانه ها از دو بخش بیرونی و اندرونی تشکیل شده و ورودی آن ها با سلسله مراتب امکان پذیر است. - در برخی مواقع کوبه درها دارای تفکیک زنانه و مردانه است. 	الگوی مسکن	

بحث و بررسی

در مقایسه تطبیقی نتایج و یافته های این پژوهش با نتایج سایر تحقیقات مشابه به لحاظ موضوعی، می توان به تحقیق منیژه رحمتی (۱۳۹۱) اشاره نمود که به بررسی زبان الگوی طراحی شهری ایرانی با تکیه بر ویژگی های ساختاری گستره های کوچک شهری پرداخته اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که می توان ارزش های فرم، عملکرد و معنای شهر ایرانی را الگو قرار داد و برای موارد مشابه خود تعمیم داد که از این لحاظ هم راستای نتایج و یافته های این پژوهش است. در پژوهش اهری (۱۳۸۱) نیز با اتخاذ رویکردی

پدیدارشناسانه به مفهوم زبان و با استفاده از روش‌های تحلیل زبان‌شناسی و در مقایسه با آن، ساختار زبان طراحی شهری اصفهان تعریف و خصوصیات آن تبیین شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان دهنده این است که هر فضای شهری خصوصیات مکانی-اجتماعی خود را دارد، مجموعه فضاها رشته‌ای متصل و پیوسته را می‌سازند به عبارتی مکان‌گیری واحدهای زبانی طراحی شهری یعنی فضاهای شهری بنابر خصوصیات نشانه‌های زبان طراحی شهری در درک یک رابطه فضایی-مکانی متن شالوده شهر اصفهان را می‌سازند. یافته‌های پژوهش شیرین عرب زاده یزدی (۱۳۹۳) نیز که به بررسی طراحی فضای مفصلی در بافت قدیم شهر یزد با تاکید بر دستور زبان شهری پرداخته شده، نشان می‌دهد که فضای مفصلی زمانی تعریف می‌گردد که در طراحی آن دو اصل ارتباط و اتصال بین دو چیز رعایت شود. همچنین با بررسی روش‌هایی که به دستور زبان شهری پرداخته‌اند و یا به عبارتی روش‌های قرارگیری صحیح فضاها در کنار یکدیگر را مورد تاکید قرار داده‌اند، نیز روشن می‌شود که در دستور زبان طراحی شهری علاوه بر ساختار، مضمون فضا نیز اهمیت فراوانی دارد. بنابراین «ارتباط» بین فضاها با توجه به ساختار و اتصال آن‌ها با اهمیت دادن به «مضمون» فضا قابل دستیابی است و موضوعاتی نظیر دستور زبان، الگو و بافت تاریخی در طرح‌ها کمرنگ بازتاب یافته است، این موارد نیز در جهت نتایج پژوهش حاضر است.

نتیجه‌گیری

وقتی از دیدگاه زبان‌شناسی به شهر برخورد می‌کنیم، باید تمامی اجزاء تشکیل دهنده فضاهای شهری اعم از طبیعی یا مصنوع را به عنوان اجزا تشکیل دهنده زبان طراحی شهری در نظر بگیریم. لذا از جمله روش‌هایی که از حوزه‌های دیگر علمی در مطالعات معماری و شهرسازی وارد شده‌اند، روش زبان‌شناسی است. تجزیه و تحلیل زبان شناختی کاربردهای گسترده‌ای یافته است زیرا هر دو جنبه معماری و شهرسازی را پوشش می‌دهد و روش‌های ایجاد آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. به همین دلیل از این روش در تحلیل فضاهای شهری سیستان در گذشته استفاده نشده است. اگرچه کاربرد آن، امکان شناخت بهتری را از جوانب تازه تر فراهم می‌آورد. تئوری‌های زبان می‌توانند مبنای فلسفی و نظری خوبی برای توسعه زبان طراحی شهری باشند. با این حال، کدام نظریه زبان برای توسعه یک زبان طراحی شهری مناسب است، به خصوص اگر قرار باشد یک زبان طراحی شهری محلی برای جوامعی با فرهنگ و ارزش‌های خاص خود ایجاد شود. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که یک نظریه زبانی واحد به تنهایی برای این منظور کافی نخواهد بود. در مقابل، مجموعه‌ای از مفاهیم و اصول به کار رفته در نظریه‌های مختلف در ترکیب با یکدیگر می‌تواند مبنای فلسفی و نظری مناسبی را برای توسعه چنین زبانی فراهم کند. با توجه به موضوع پژوهش، با مراجعه به مباحث مطرح شده در رابطه با مفهوم زبان، می‌توان رابطه معنا و زبان معماری و طراحی شهری را بهتر درک کرد. به طور کلی شهرها و فضاهای شهری را می‌توان متون ادبی از جنبه‌های مختلف زبان‌شناسی دستوری مانند جنبه‌های معنایی، کلامی (واج‌شناختی) و نحوی مانند بدن (عناصر شکلی) و فعالیت شهری (محتوا) و قواعد سازمان‌دهنده در نظر گرفت. تنظیم‌کننده نحوه تطابق آن‌ها با یکدیگر را مطالعه و تجزیه و تحلیل کرد.

معماری برجای مانده از نسل‌های گذشته، حاکی از تاثیر نیروهای اقلیمی در شکل دادن به الگو فضاها است و بیانگر این است که اقلیم به مثابه یک موضوع اساسی محیطی نگریسته شده که استفاده از منابع همانند باد در ساختار و کالبد بناهای سنتی نقش کلیدی و مهم می‌باشد. معماری بومی و شناخت الگوهای قابل ملاحظه آن از جمله تناسب با فرهنگ و اقلیم سیستان می‌تواند در طراحی یک الگوی زبان مناسب مورد توجه قرار گیرد. فضاهای شهری سیستان، واحدهای زبانی این زبان طراحی شهری هستند که ترکیب آن‌ها متن ساختار شهر یا روستا را می‌سازد. این واحدهای زبانی خصوصیتی پویا دارند و برحسب فعالیت‌های عمومی که در آن‌ها صورت می‌گیرد، محدوده‌شان معین و از فضاهای خصوصی متمایز می‌شوند. این فضاها یا واحدهای زبانی بر مبنای خصوصیات زیر، زبان طراحی شری در ساختار شهر سیستان را می‌سازند:

ترکیب فضاهای شهری خصوصیت فضایی دارد. فضای شهری و روستایی می‌تواند در هم فروروند باهم همجوار شوند و یا از هم فاصله بگیرند. فضاهای روستایی بر مبنای قاعده هم‌نشینی نشانه‌های زبانی، مجموعاً زبان طراحی شهری ساختار شهر سیستان را می‌سازند. یعنی فضاهای شهری مبتنی بر خصوصیت فضایی‌شان با هم ترکیب شده و در کنار یکدیگر می‌نشینند و مجموعه فضاها باهم متن ساختار شهر را تشکیل می‌دهد. زبان طراحی شهری سیستان که بدین ترتیب ساختار می‌یابد با کمک دستور زبان آن توصیف می‌شود. در حقیقت دستور زبان طراحی شهری سیستان، بیان و توصیف چگونگی ترکیب اجزا مختلف فضاهای شهری برای تشکیل زبان و نحوه ترکیب اجزا زبان جهت ایجاد معانی مختلف است.

منابع

- اویسی کیخا زهره (۱۳۹۲). برهم کنش عوامل اقلیمی و اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای باز و بسته سکونتگاه‌های بومی روستایی ایران (مطالعه موردی: سیستان)، *پایان‌نامه دکتري*، دانشگاه تربیت مدرس
- اهری زهرا. (۱۳۸۱). تحلیل دستور زبان طراحی شهری در شالوده شهری اصفهان قرن ۱۱-۱۳ ه.ق. زبان طراحی شهری در مکتب اصفهان، *پایان‌نامه دکتري*، دانشگاه تهران.
- اسماعیل پور همدانی سحر، شیعه اسماعیل؛ ذاکر حقیقی کیانوش. (۱۴۰۲). تحلیل چگونگی سالم‌سازی فضاهای عمومی شهری برای کاهش تمایلات تخریب‌گرایانه، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره بیست و چهارم، شماره یازده، بهمن ماه ۱۴۰۱، صفحات ۵۸-۴۱
- باطنی محمدرضا. (۱۳۷۷). *نگاهی تازه به دستور زبان*، انتشارات آگاه، تهران.
- باطنی محمدرضا. (۱۳۸۵). *پیرامون زبان و زبانشناسی*، (مجموعه مقالات)، فرهنگ معاصر، تهران
- براتی ناصر؛ شریفی فرد فرحناز؛ نجاتیان محسن. (۱۳۹۴). معنابخشی در متن فضای شهری با رهیافتی از اصول زبانشناسی، *کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست*؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته
- بورشه، ت. و دیگران. (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)*. ترجمه ک. صفوی. تهران: هرمس
- بهمی، کبری، فقیه ملک مرزبان، نسرین. (۱۳۹۵). ارتباط ذهن و زبان در آراء عبدالقاهر جرجانی و نوام چامسکی. ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، ۱۴(۱)، ۹۳-۱۱۷.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹) تاملی بر رویکرد خردباورانه به معضلات ترافیکی، *مجله منظر*، شماره ۸، ۴ صفحه، از صفحه ۳۲-۳۵
- پورمحمدی محمدرضا؛ پایدار مجید. (۱۴۰۱) سنجش میزان زیست‌پذیری شهری با تأکید بر رویکرد پیاده‌مداری (منطقه ۲ کلانشهر تبریز، نشریه برنامه ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای، سال ۱، شماره ۲، فصل پاییز، سال ۱۴۰۱، صفحات ۶۷-۵۱
- حبیبی، اهری، (۱۳۷۵). مکتب اصفهان، زبان طراحی شهری در شهرهای کهن - گذر از فضای کهن به فضای نوین. تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی حج فروش، جلال، (۱۳۸۰) هویت در شهرسازی (نمونه: شهر یزد)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- حسین‌آبادی حسین، الهیان کیکانلو الهه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه حس اجتماع و احساس امنیت شهری، مورد مطالعه: شهر آشنخانه، نشریه برنامه ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای، سال ۱، شماره ۲، فصل پاییز، سال ۱۴۰۱، صفحات ۴۹-۳۵
- خداداد مهدی. (۱۴۰۱). سنجش کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده شهر گرگان، *نشریه برنامه ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای*، سال ۱، شماره ۱، فصل تابستان، سال ۱۴۰۱، صفحات ۵۳-۴۳
- دوسوسور، ف. (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، انتشارات هرمس.
- رحمانی، مهرداد، افروز، مریم، سارنج، دانیال، و رحیم پور، توحید. (۱۳۹۲). تعامل انسان و محیط بر مبنای دستور زبان طراحی شهری، مورد پژوهی خیابان مظفر تهران. *کنفرانس ملی معماری و شهرسازی (انسان‌گرا)*.
- رحمانی، مریم، شیخ‌مرند، ابراهیم، نصرت‌زاده، حیدر. (۱۴۰۱). بررسی فرآیندهای واژه‌سازی در معادل‌یابی وام‌واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر پایه‌ی انگاره‌ی صرف‌واژگانی کیپراسی: با تکیه بر اشتقاق و ترکیب. *زبان و زبان‌شناسی* (۳۵) ۱۸
- رحمتی، منیژه. (۱۳۹۱). استخراج زبان‌الگوی طراحی شهری ایرانی با تکیه بر ویژگی‌های ساختاری گستره‌های کوچک شهری، نمونه موردی: شهر نائین در استان اصفهان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- سلیقه، محمد. (۱۳۸۲). توجه به باد در ساخت کالبد فیزیکی شهر زابل، *مجله جغرافیا و توسعه*، پاییز و زمستان ۱۳۸۲
- سمائی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). فرهنگ لغات زبان مخفی، *نشر مرکز*، سال ۱۲۸۳
- شعله مهسا. (۱۳۹۰). بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زبان‌شناختی، رساله دکتري، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- شهبازی، رامتین، عارف، محمد & مختاباد امرئی، مصطفی. (۱۴۰۱). دستور زبان تخیل و بیگنشتاین به‌مثابه روش در گسترش درام با نگاهی به فیلمنامه وقت دیگر، شاید. *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*
- عمرانی نسب اشرف السادات. (۱۳۸۶). پوشاک مردم سیستان و بلوچستان، فرهنگ مردم ایران زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۱ (۱۴ صفحه) - از ۱۱۹ تا ۱۳۲
- عندلیب علیرضا؛ هفت‌لنگی سمیرا. (۱۳۹۷). بازخوانی زبان طراحی شهری مکتب اصفهان با تکیه بر نظریه زایشی - گشتاری نوام چامسکی، اولین همایش بین‌المللی معماری و شهرسازی جهان اسلام در عصر جهانی شدن
- غفاری مقدم، زهرا، سردار شهری، علی، بیدرنامی، فاطمه. (۱۴۰۱). کاربرد شاخص فقر آبی در تجزیه و تحلیل فضایی تنش آبی در منطقه سیستان. *نشریه علمی پژوهشی مهندسی آبیاری و آب ایران*، ۱۳ (۱)، ۳۸۳-۴۰۲.
- فریادی شهرزاد. (۱۳۷۹). مقایسه نظریه‌های اساسی زبان‌شناسی به منظور تدوین زبان طراحی شهری محلی (در مکان‌های خاص)، هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی زمستان ۱۳۷۹، شماره ۸، (۱۲ صفحه) - از ۴۳ تا ۶۴
- فریادی، شهرزاد. (۱۳۸۱). تدوین زبان طراحی شهری محلی (ایرانی) در فرایند جهانی شدن شهرها با تأکید بر مفهوم هسته‌های شهری، *پایان‌نامه دکتري*، دانشگاه تهران

- لاینز جان. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر معناشناسی زبان شناختی، ترجمه حسین واله، گام نو، تهران
- لاینز جان. (۱۳۸۶). زبان و زبان شناسی، ترجمه مرضیه ایزدپرست، آوند اندیشه ۱۳۸۶. شیراز
- محمودی نژاد و همکاران. (۱۳۸۵). ساختار زبان الگو در طراحی شهری و معماری جستاری در ساختار زبان الگو در ادبیات شهرسازی و معماری سنتی، هنر و معماری، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۵
- ملک الشعرا بهار محمدتقی. (۱۳۸۱). تاریخ سیستان، تالیف در حدود ۷۲۵ - ۴۴۵ به تصحیح محمدتقی بهار (ملک الشعرا). تهران: معین، ۱۳۸۱.
- ملکزاده مهرداد. (۱۳۸۰). نگاهی گذرا بر تاریخ و باستان شناسی سیستان، آثار (شماره ۲، بهار ۱۳۸۰).
- Bahrainy Hossein. 1988 (in print). **Towards a General Theory of Urban Design**. Faculty of Built Environment, University of Tehran. Iran
- Beira, Jose Nuno. (2012). **City Maker Designing Grammar for Urban Designers**. Architecture and Built Environment
- Bianca, S. (2000). **Urban Form in the Arab World Past and Present**. London: Thames and Hudson
- Debora Verniz and Jose P Duarte. (2020) **Santa Marta Urban Grammar: Unraveling the spontaneous occupation of Brazilian informal settlements**. The Pennsylvania State University, USA
- Majid Yousefniapasha and Catherine Telling, John Rollo, Dick Bunt. (2019), **Shape grammar, culture, and generation of vernacular houses (a practice on the villages adjacent to rice fields of Mazandaran, in the north of Iran)**, SAGE Publications, Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science
- Rapaport, A (1997), **Human aspects of urban form**, Toward a man Environment Approach to Urban form and Design: Oxford Pergamon Press.
- Rapaport, Amos. 1982. **The meaning of the Built Environment**. A non-verbal communication approaches. Sage Publications.
- Smith, C. S. (1965). Structure, Substructure, Superstructure, in G. Kepes(ed.), Structure in Art and in science. London: Studio Vista